

# نجات‌دهنده در گور خفته است

## به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت دکتر غلامعباس توسلي

### پیام افشار دوست

آخرین روزهای بهار ۹۸ بود که انجمن جامعه‌شناسی ایران با هدف برگزاری انتخابات اعضای هیات‌مدیره و اصلاح بندهایی از اساسنامه، مجمع عمومی خود را برگزار می‌کرد. در گوشه و کنار سالن ابن‌خلدون حلقه‌های ۳-۴ نفره دوستی یا استاد-شاگردی به گپ‌وگفت‌های دوستانه یا ادای احترام به استادان قدیمی اختصاص یافته بود. هنوز چند دقیقه تا آغاز مراسم رسمی زمان مانده بود که مردی سپیدمو نشسته بر ویلچر، توسط خدمتکارش وارد سالن شد. حلقه‌های گپ‌وگفت از هم گسست و همه به دور او حلقه زدند. افراد یکی‌یکی جلو می‌آمدند و با صدایی بلند - که مناسب شنوایی پیرمردی چون او بود- ادای احترام می‌کردند. یکی خم میشد تا پایش را صاف کند و دیگری دستش را می‌بوسید. پیرمرد اما تنها نگاه می‌کرد و سري می‌جنباند؛ بدون کوچک‌ترین تغییری در حالت چهره‌اش. چند دقیقه بعد رییس انجمن جامعه‌شناسی پشت تریبون قرار گرفت تا با ارائه گزارشی از عملکرد سه‌ساله انجمن آغازگر برنامه باشد. اما پیش از آن از همه حضار خواست تا به افتخار پیشکسوت حاضر در سالن که «جامعه‌شناسی ایران مرهون تلاشها و مجاهدت‌های اوست» برای ثانیه‌هایی از جا برخیزند و دست بزنند. این اولین و آخرین باری بود که من دکتر غلامعباس توسلي را از نزدیک می‌دیدم.

همکاران و شاگردان توسلي ویژگی‌ها و القاب متعددی را به او نسبت داده‌اند: میانه‌دار، اعتدال‌گرا، روح جامعه‌شناسی، حافظه جامعه‌شناسی، هستی پنهان جامعه‌شناسی و تعابیری از این دست. اما آنچه همه افراد از منتقد تا موافق بر سر آن اجماع دارند، این است که توسلي «نجات‌دهنده جامعه‌شناسی ایران» بود. توسلي در میانه تاریخ هشتادساله جامعه‌شناسی در ایران ایستاد و آن را از دست پدران بنیانگذار یعنی صدیقی، مهدوی و نراقی به دست نسل سوم رساند. در میانه ایستادن یکی از تبحرهای توسلي بود که او را به «مردی برای همه فصول» تبدیل کرد.

پیش از انقلاب که استادان کمتر تمایلی برای بروز گرایش‌های مذهبی‌شان در فضای دانشگاه از خود نشان می‌دادند، توسلی با عرقچین در حیات دانشکده ظاهر می‌شد و ریش بلندش به دانشجویان مذهبی اعتماد به نفس و جسارت می‌داد. البته تاوانش را هم با متلک شنیدن از همکارانش پرداخت می‌کرد. علی محمد حاضری استاد دانشگاه تربیت مدرس که در آن زمان دانشجوی دانشگاه ملی بود تعریف می‌کند که «برای ملاقات با توسلی به دانشگاه تهران رفته بودیم و سراغ دفترش را از یکی از همکارانش گرفتیم. وی خندید و با کنایه گفت: «دنبال اوستا حاجی می‌گردید؟» جالب اینجاست که توسلی تحصیلات دانشگاهی خود را در سوربن گذرانده بود و به گواه دانشجویانش به لحاظ علمی سرآمد همکاران خود در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران بود. شاید به همین دلیل در همان زمان همکارانش او را به عنوان مدیر گروه برگزیده بودند.

بعد از انقلاب و با روی کار آمدن دولت بازرگان، توسلی که چهره ملی-مذهبی شناخته‌شده‌ای بود، با قبول ریاست دانشگاه اصفهان در میانه سیاست و علم ایستاد. دو سال بعد زمانی که انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها را به تعطیلی کشاند و همه صاحب‌نظران را مستاصل کرد، توسلی باز پا در میدان گذاشت و سرپرستی برنامه‌ریزی علوم انسانی را در ستاد انقلاب فرهنگی برعهده گرفت. شاید فقط «استاد حاجی» بود که می‌توانست در جلسات دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شرکت کند و مخالفین را قانع کند که علم جامعه‌شناسی باید بماند. او کشتی جامعه‌شناسی را از توفان انقلاب فرهنگی عبور داد، اما برای این کار مجبور بود بسیاری از محتوای آن را به آب بریزد.

او به راستی یک موسس بود و نهال بسیاری از نهادهای جامعه‌شناسی را با دستان خود به خاک نشاند و سال‌ها از آنها مراقبت کرد. وی با تاسیس گروه‌های مختلف جامعه‌شناسی در سراسر ایران و تاسیس مقطع دکترای جامعه‌شناسی نسل جدیدی از جامعه‌شناسان را ایجاد کرد که همگی تعلیم‌دیده او بودند. زمانی که در ابتدای دهه ۷۰ پیشنهاد تاسیس انجمن جامعه‌شناسی ایران مطرح شد، توسلی نقطه اشتراک میان نسل دومی‌ها یعنی هم‌نسلان خود و نسل سومی‌ها یعنی شاگردانش بود. او بعد از تلاش فراوان برای تاسیس انجمن دو دوره ریاست آن را نیز قبول‌دار شد. توسلی برای نخستین‌بار در تدریس بسیاری از شاخه‌های جامعه‌شناسی همچون جامعه‌شناسی کار و شغل، جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی شهری گام برداشت و کتاب‌هایی را نیز در این حوزه‌ها ترجمه و تالیف کرد.

جامعه‌شناسی امروز ایران چنان متأثر از توسلی است که عباس کاظمی پژوهشگر حوزه آموزش عالی، از پدیده «توسلی‌شدن جامعه‌شناسی» در ایران

نام می‌برد. به عقیده کاظمی کتاب نظریه‌های جامعه‌شناسی توسلی «نشان‌دهنده نحوه مواجهه ما با نظریه و نحوه فهم‌مان از آن است؛ فهمی غیرتفسیری و متصلب». برخی از شاگردان او همچون حمیدرضا جلائی‌پور نیز معتقدند توسلی نظریه را از بافت اجتماعی و تاریخی آن جدا می‌کرد و از همین رو آن را از کارکرد می‌انداخت. او که برای سال‌ها یک‌تاز تدریس نظریه‌های جامعه‌شناسی بود و تمام روزهای هفته را وقف حضور در کلاس‌های درس دانشگاه‌های تهران و شهرستان‌ها می‌کرد، در رواجِ رویکرد «نظریه برای نظریه» سهمی درخور توجه داشته است. شاید این بهایی بود که جامعه‌شناسی برای بقا باید می‌پرداخت.

اما آنچه در او ظرفیت می‌اندازی و در میانه ایستادن را ایجاد می‌کرد، نه محافظه‌کاری و نه حدوسط را گرفتن، بلکه منش خاص او بود. توسلی اگرچه آشکارا گرایش‌ات مذهبی داشت و از سوی دیگر در میدان سیاست پا گذاشته بود، اما به گواه تاریخ‌نگاران جامعه‌شناسی چون مقصود فراستخواه و دانشجوی خلفش محمد امین قانعیراد هرگز معیارهای عقیدتی و سیاسی خود را وارد حوزه علم نکرد. او هرگز از ایدئولوژی با کلیدواژه‌های علم دینی یا علم بومی دفاع نکرد، بلکه همواره از «علم جامعه‌شناسی» سخن می‌گفت. توسلی همچنین اهل باندبازی نبود و برای گزینشِ سرکش‌ترین اما عالم‌ترین دانشجویانش تمام تلاش خود را می‌کرد. به بیان بوردیویی توسلی منطق خودآیین دانشگاه را می‌فهمید و به آن احترام می‌گذاشت.

توسلی را «یار دیرین شریعتی» نیز نامیده‌اند. او نه تنها در میدان دانشگاه که مامن همیشگی او بود، بلکه در میدان روشنفکری نیز حضوری پررنگ داشت؛ چه قبل از انقلاب که در مسجد قبا دانشجویان انقلابی را با سخنرانی‌های پرشورش به خود جلب می‌کرد و چه بعد از انقلاب که سفیر جامعه‌شناسی در سخنران‌های متعدد خود در دانشگاه‌های سراسر ایران بود. توسلی که همچون دکتر علی شریعتی تحصیل خود را در دانشسرای مقدماتی مشهد گذرانده بود، در سال ۱۳۳۹ با بورسیه شاگرد اولی به فرانسه رفت تا فصل جدیدی در تاریخ زندگی‌اش آغاز شود. ۴ سال از ۶ سال حضور او در پاریس در کنار شریعتی به مباحثه و مبارزه گشت. پس از بازگشت به ایران نیز طی سال‌های ۵۱ و ۵۲ این دو در حسینیه ارشاد همکاری نزدیکی داشتند. او همچنین یکی از شارحان اصلی شریعتی به حساب می‌آید و کتاب‌های متعددی در بررسی و بسط اندیشه‌های شریعتی به رشته تحریر درآورده است.

استاد غلامعباس توسلی عالم، سیاستمدار و روشنفکر برجسته ایرانی در ۲۵ مهرماه ۹۹ پس از ۶۰ سال زیستِ جامعه‌شناسانه، روی در نقاب خاک کشید. فارغ از اینکه ما چه ارزیابی‌ای از کارنامه سنگین او داشته باشیم، او را باید بخش مهمی از هویت و تاریخ علم در ایران

# به طور عام و جامعه‌شناسي به طور خاص دانست. روحش شاد. پژوهشگر اجتماعي

---

«**روحيات در فلسفه و ادبيات**» در این کتاب،  
به بررسی و تحلیل مبانی فلسفي و ادبياتی روحانیت  
در اندیشه‌های مختلف و همچنین نقش روحانیت  
در شکل‌گیری تمدن و فرهنگ پرداخته شده است.  
این کتاب به بررسی و تحلیل مبانی فلسفي و ادبیاتی  
روحانیت در اندیشه‌های مختلف و همچنین نقش  
روحانیت در شکل‌گیری تمدن و فرهنگ پرداخته  
شده است. این کتاب به بررسی و تحلیل مبانی فلسفي  
و ادبیاتی روحانیت در اندیشه‌های مختلف  
و همچنین نقش روحانیت در شکل‌گیری تمدن  
و فرهنگ پرداخته شده است.  
این کتاب به بررسی و تحلیل مبانی فلسفي و ادبیاتی  
روحانیت در اندیشه‌های مختلف و همچنین نقش  
روحانیت در شکل‌گیری تمدن و فرهنگ پرداخته  
شده است.

تعداد صفحات: 250 | قیمت: 1400 تومان